

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

دوکتور صلاح الدین سعیدی – سعید افغانی

۱۰ جولای ۲۰۱۱

## تقاضا از متخصصان و حقوقدانان محترم کشور

دردویش/ بخش اول

عنوان فوق نوشته برادر محترم خلیل الرحمن الفت منتشره سایت وزین افغان جرمن آنلاین به تاریخ ۸/۷/۲۰۱۱ می باشد. امروز نوشته را به دقت مطالعه کردم و متوجه شدم که جناب پرسنده خود شخص عالم و دانشمندی است که چنین سوالات بس عالی را مطرح کرده اند. باید بگویم که نبض حوادث درکشور و منطقه ما چنان به سرعت می تپد که بر بسیاری از مسایل باید بحث، مکث و تمرکز صورت گیرد. هستند مواردی که به صورت صریح جواب و موضع حق و درست وجود دارد اما عده ای یا به خاطر تناقض به منفعت شخصی آنرا تحریف می کنند و یا هم لفاظی و بحث برای بحث کردن می خواهند. عده ای که صادقانه رسالت اداء می کنند هم زیاد و سبب مسرت است. خدمت بگویم که همین حالا عناوین مصالحه، مفاهیم و حدود و ثغور آن، فرق مصالحه با خیانت و معامله، دیموکراسی حدود و ثغور آن، دیموکراسی بدون حاکمیت قانون، اقتصاد بازار آزاد و آنچه در کشور ما درین ده سال تطبیق می شود، مشاجرات انتخاباتی و محکمه اختصاصی و مشاجرات انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی اخیر درافغانستان، تجاوزات اخیر اردوی پاکستان بر افغانسان و موضع حکومت و اداره افغانی درین مورد، بازگشت و یا خروج عساکر خارجی از افغانستان، ستراتیژی امریکا و جامعه جهانی در رابطه به افغانستان و پاکستان، احزاب و سازمان های سیاسی و مفاهیم آن در جامعه افغانی، سیاست کادری و روابط مافیائی درین رابطه و دهها مطلب دیگر که باید درمورد نوشت و موضع خویش را گفت، نوشت و با شما هموطنان معزز درد دل کرد و افکار خویش را با خواننده و هموطن گرامی خویش شریک ساخت. هستند مواردی که عناوین را نوشته اما پیشرفت نکرده ام. علت آن این نیست که چیزی برای گفتن نداریم بلکه علت آن ضیق وقت است. با وجود آن هم اینک به مطالب مطروحه جناب خلیل الرحمن الفت دید گاه ها و شناخت خویش را به ترتیبی که درنوشته جناب شان آمده با شما ذیلا شریک می سازم:

واقعیت این است که افغانستان در مرحله جدیدی از انکشاف خویش قرار دارد که به صورت دقیق از ده سال قبل تفاوت دارد. وسایل اطلاعات جمعی و میدیا – سایت های افغانی مدارس و مراجع خوب و مهم آگاهی همگانی اند که جدا قابل مسرت و خوشی اند.

یکی مفاهیم و معانی لغوی و دیگر هم مفاهیم اصطلاحی کلمات و واژه ها است. مفاهیم لغوی ثابت و مفاهیم اصطلاحی به خصوص مفاهیم سیاسی، حدود و ثغور مفهومی واژه های سیاسی به مرور زمان تغییر می کنند. باید گفت که عده ای از نام دیموکراسی بنابر سوء استفاده هائی که ازین نام خاصا در دهه اخیر صورت گرفته متنفر شده اند.

نظام دیموکراتیک به فهم من نظامی است مردمی که توسط مردم به وجود آمده و در خدمت، پالش و پرورش ارزش هائی است که مردم آنرا در توافق به ارزشهای عام قبول شده جامعه بشری (همین توافق اخیر جنجال برانگیز است) ارزش می دانند.

به فهم من بشریت امروزی الترنانایف و عوض خوبتر عملی دیگری در اختیار ندارد. بلی ارزشهای مردم ما با ارزش های معین مردم اروپا و یا بخشی از جوامع و کشور های دیگر جهان فرق می کنند. اکثریت قاطع مردم ما مسلمان و مردم ما درین عرصه انتخاب خویش را دارند. اگر کسی خواهان تطبیق دیموکراسی و نظام دیموکراتیک در افغانستان است و درین راستا ارزشهای را بالای مردم ما تحمیل می کنند که آن ارزشهای جامعه غیر افغانی است به فهم من این فهم غلط از دیموکراسی است. آنهایی که تأکید دارند افغانها نمی خواهند تغییر کنند (این تأکید را بر علاوه دیگر ها درین اواخر یکی از سناتوران امریکائی قبل از اعلام بازگشت ۳۳ هزار عسکر امریکائی تا اواسط سال آینده توسط جناب باراک اوباما رئیس جمهوری امریکا نیز اظهار داشت). راست گفته اند. ما در چوکات همان ارزش هائی تغییر می خواهیم که عقاید سالم و معتقدات ما اجازه می دهد.

بلی این مشکل و عدم دقت آنهایی اند که خاصا در دهه های اخیر یا با کاپی کردن کتاب های سرخ، گلابی و... و یا هم در ده سال اخیر می خواهند بر ما ارزش های خویش را تحمیل کنند. نتایج آنرا مردم افغانستان و خود شان قسما به دست آوردند. از صد ها مثال یک مثال می آورم: اگر وزیر خارجه المان (مرد) با مرد دیگر عروسی می کند و این ارزش را کسی می خواهد در افغانستان به نام دیموکراسی عملی کند این تخلف از اصول دیموکراسی در کشور من افغانستان است و مردم ما واقعا چنین دیموکراسی و چنین تغییر را نمی خواهند. لذا تشویش و یا هم تذکر محترم الفت به خاطر ماده سوم قانون اساسی که قوانین ضد اسلامی در افغانستان به تصویب و منصفه اجراء بوده نمی تواند، نداریم به خاطر این که نماینده ملت در خدمت مردم است و مردم افغانستان مسلمان اند و انتخاب خویش را دارند.

و اما ارزش هائی چون انتخابات شفاف، حاکمیت قانون، اقتصاد بازار آزاد مهار شده توسط قانون و .... دست آورد های خوب جامعه بشری را کسی رد کرده نمی تواند.

بلی قانون اساسی معتبر ترین و بلند ترین سند است که دیگر قوانین کشور باید تابع آن باشند. اما نورمهای معین بین المللی که افغانستان آنرا قبول کرده نیز جزئی از سیستم حقوقی و در سطح قانون اساسی کشور قرار دارند. درین راستا مفاهیم استقلال کامل و رسیدن به استقلال کامل که در بخشی از نوشته ها می خوانم واقعا ناراحت کننده است. افغانستان جزیره جدا از جهان نیست. جهان به قریه کوچک مبدل شده که با وجود تفاوت همکاری های بسیار نزدیک نیز ضرورت است.

در مورد میثاق های بین المللی و حقوق اساسی و طبیعی بشر و یک سلسله نورمهای دیگر قبول شده بین المللی: ما زمانی به حقوق اساسی کلمه طبیعی را اضافه می کنیم این بدان معنا است که این حق طبیعی است و کسی به کس نداده لذا حق گرفتن آنرا هم ندارد. درین رابطه به صورت مشخص به مطلبی که جناب الفت متذکر شده اند باید گفت که بخشی از تعبیر و مواضع در زمان فیصله این اصول و میثاق های بین المللی خصوصیات فرهنگی، دینی

و کلتوری بخشی از تمدن های بشری را در نظر نگرفته و مشاغل درین راستا در اساسی وجود دارد که به فکر من درین مقطع زمانی آنقدر اساسی و بنیادی هم نیست.

بلی ما شخص جنس گرا (مرد و زن) را مریض و معطل و قابل کمک و کار روانی می دانیم. اما درین میثاق ها به این انحرافات و شرایط مساوی مطالبه می شود که جدا قابل بحث انفرادی است.

بلی مطابق به افکار و ارزش های دینی مان مرد و زن در جامعه و خانواده رسالت های موافق به حالت روانی و فزیکتی هر یک پیش بینی و در نظر گرفته شده. اما در برخی این میثاق ها و اسناد بین المللی که برادر الفت نام برده اند حساسیت ها و تفاوت های دیدگاه به صورت لازم رعایت نشده. برخورد مساوی در عدم مساوات فزیکتی و روانی و عدم مراعات تفاوت رسالت سبب بی عدالتی می شود.

انسان اشرف المخلوقات و در پیشگاه قانون و الله تعالی و انسانیت تفاوت وجود ندارد. از دامن مادر مرد به معراج رسیده اند و زن نبی بوده. زن مادر است، زن همسر است، زن خواهر است، زن شریک زندگی است. جنت تحت قدوم مادران خوانده شده. (بحث طولانی می خواهد).

اما قانون اساس کشور ما در موارد زیاد خلاء هائی دارد که توازن لازم کاری آنرا مختل ساخته است. یکی از خلاء های اساسی عدم موجودیت توازن در بین قوای سه گانه (قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه اجرائیه) است. این اختلال قوه و صلاحیت ها به نفع قوه اجرائیه سبب عدم کاری بودن کنترول درین سه پایه و سه ضلع شده و در بخشی موارد کار را به بن بست می کشاند.

نقش احزاب سیاسی با برخورد ها و مداخلات غیر فنی قدرتمندان (جملات زورمندان را که : من به حزب و حزب بازی نمی فهمم را به خاطر دارم.) در قانون اساسی به حاشیه کشانیده شده و حزب و سازمان سیاسی که نسخه دهنده برای مسایل مطرحه کشور باشد صرف و صرف وسیله به قدرت رسیدن سیاسی گردیده. احزاب به مفهوم پیشکش کننده راه حل سیاسی نه بلکه از آن سوء استفاده می شود و قدرتمندان آنرا با قوانین خوب به جهت مثبت همکاری نکرده اند. برای مسایل مطرحه کشور راه حل نه ۱۸۰ است و نه ۲۰۰ (تعداد احزاب ثبت شده). این سبب گردیده که افراد و شخصیت ها جهت تبارز باید یا روابط مافیائی، یا روابط استخباراتی، یا در خدمت اهداف گروهی و قومی و دیگر روابط نادرست و غیر دیموکراتیک قرار گیرند تا امکان تاثیر در سرنوشت کشور خویش را داشته باشند.

این و دهها مورد دیگر که بنا بر عوامل مختلف در قانون اساسی و دیگر قوانین کشور بنا بر سیاست های نادرست کدری، ادامه نسخه های جنگ سرد، عدم تقسیم پست های دولتی به پست های سیاسی و مسلکی، حاکمیت روابط مافیائی، جیبی و فامیلی، سیاست معافیت و ..... حالتی را به وجود آورده که به موجب آن از دل و جگر ملت خون می ریزد، تلاش ها و مصارف گزاف بدون نتیجه به بن بست کشانده می شود و عده ای خوش اند که در تقسیم غنیمت حصه دارند، مقام دولتی دارند و پول می اندوزند. حسابات بانکی آخرت شان (انشاء الله) از روی اعمال شان که خراب خواهد بود. به این زور مندان بار ها می خواهم بنویسم و بگویم که : اینما تکونوا بدرکم الموت و لوکنتم فی بروج المشیده - در هر جای باشید مزه مرگ را چشیدنی - و به بارگاه عدالت الهی استاده شدنی اید - ولو اگر در قصر های محکم هم مخفی باشید.

پایان بخش اول

**یادداشت:**

از آن جایی که تا هنوز مطلب همکار گرامی ما آقای داکتر صلاح الدین سعیدی، به ارتباط موضوع خاتمه نیافته در نتیجه ضمن آن که تبصره پورتال را در مورد مسأله مورد بحث می گذاریم برای ختم مقاله، همین قدر تذکر می

دهیم که از دید ما یعنی پورتال "افغانستان – آزاد افغانستان" گذشته از آن که به اصطلاح قانون اساسی اداره مستعمراتی از هیچ گونه احترامی بر خوردار نیست، بلکه آن را به مثابه طناب اسارت امپریالیستی شناخته، نخستین گام حرکت به سمت یک افغانستان آزاد، مترقی و شکوفان ر در دریدن این طناب می دانیم.

با عرض حرمت

اداره پورتال AA-AA